



# عوامل مؤثر در ارزیابی احتمال ریسک تقلب

پروژه نامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

مراتب پیچیده‌تر می‌شوند و کنترل داخلی سازمان را بر آن می‌دارند تا ساختاری دقیق‌تر و سختگیرانه‌تر داشته باشند. همه حسابداران بر این مسئله واقف هستند که پرونده‌ها و حساب‌های مالی، به‌خودی‌خود توانایی دروغ گفتن ندارند! بنابراین روشن است که تمامی کنترل‌های صورت گرفته و ارزیابی‌های

ریسک تقلب، زنگ خطری همیشگی برای حسابداران میزان آگاهی و تجربه حسابداران، به‌طور فزاینده‌ای در حال رشد و ارتقاء است و حرفه حسابداری نیز به‌شکلی روزافزون، شکلی ساختاریافته‌تر و دقیق‌تر به‌خود می‌گیرد. در آن سوی حرفه حسابداری، سیستم‌های مالی وجود دارند که به



ادریس کریمی | محبوه حاج‌علی‌زاده | حیدر کریمی

تقلّب، SAS شماره ۹۹ در اکتبر ۲۰۰۲ منتشر شد که با ارزیابی عوامل ریسک تقلّب در سازمان‌ها، به بهبود کارایی و بهره‌وری حساب‌برسان در کشف تقلّب کمک می‌کرد. استاندارد شماره ۹۹، حساب‌برسان را از ابتدا به‌طور کامل در فرایند حسابرسی با هدف در نظر گرفتن ریسک تقلّب گنجانده بود (راموس، ۲۰۰۳).

با وجود استانداردهای متعدّد در زمینه ارزیابی احتمال ریسک تقلّب، هیچ موردی به‌عنوان عامل اصلی ریسک تقلّب مشخص نشده است؛ زیرا حساب‌برسان باید به همه شاخص‌ها به یک اندازه اهمیت دهند و اگر شاخصی به‌عنوان مهم‌ترین مورد در نظر گرفته شود، ممکن است تمرکز حساب‌برسان را روی موارد دیگر کم کند (ام. اسمیت، ۲۰۰۵)؛ به‌علاوه، ریسک تقلّب در هر نوع سیستمی متفاوت است و نیازمند اقدامات پیشگیرانه متفاوتی نیز است (پی. فرانسیس، ۲۰۱۳). در تحقیقات صورت گرفته برای ارزیابی احتمال ریسک تقلّب، عوامل متعددی بیان شده است که حساب‌برسان و مدیران را در این امر یاری می‌کند اما می‌توان به دو مورد اشاره ویژه‌ای داشت؛ کنترل داخلی و مثلث تقلّب، دو مسئله‌ای هستند که برای جلوگیری و کشف ریسک تقلّب به مراتب در تحقیقات صورت گرفته به آنها اشاره شده است و پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند اما کدام یک بر دیگری ارجحیت دارد؟ حساب‌برسان از منظر کنترل داخلی به ریسک تقلّب نگاه می‌کنند یا با مثلث تقلّب به بررسی اشتباهات عمدی می‌پردازند؟ تفاوت اصلی کنترل داخلی و مثلث تقلّب در چیست و هر یک به کدام قسمت از این خطر مهم می‌پردازند؟ کنترل داخلی چیست و چه تأثیری در

اما با تمامی تلاش‌های انجام شده، هنوز هم شاهد نمود این خطر در صورت‌های مالی هستیم. این مسئله به‌گونه‌ای است که انجمن بازرسان تقلّب گواهی‌شده<sup>۱</sup>، درصد بالایی از وقوع تقلّب در سراسر جهان را گزارش کرده است (ACFE، ۲۰۱۲). در یک نظرسنجی انجام‌شده توسط انجمن بازرسان تقلّب گواهی‌شده، تخمین زده شده است که یک سازمان معمولی سالانه ۵ درصد از درآمد خود را به دلیل تقلّب از دست می‌دهد که تقریباً ۳٫۵ تریلیون دلار از ۷۰٫۲۸ تریلیون دلار تولید ناخالص جهانی ۲۰۱۱ است (ACFE، ۲۰۱۲). بنابراین بدیهی است که حسابداران همواره به این مسئله بپردازند و صورت‌های مالی را از این خطر دور نگه دارند.

در راستای کمک به حسابداران در ارزیابی احتمال ریسک تقلّب، انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA) استاندارد حسابرسی (SAS) شماره‌های ۵۳، ۸۲ و ۹۹ را منتشر کرد. AICPA برای توضیح نقش حساب‌برسان در شناسایی اشتباهات و تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی، SAS شماره ۵۳ را در سال ۱۹۸۸ منتشر کرد. البته باید اظهار داشت که تمرکز بر صلاحیت حساب‌برسان در کشف تقلّب کافی نیست (مویس و حسن ۱۹۹۶). در ادامه، استاندارد شماره ۸۲ در سال ۱۹۹۷ منتشر شد که دستورالعمل‌های جامع‌تری در مورد کشف تقلّب (در زمان مشاهده بخش‌های پرخطر) را شامل می‌شد. به‌علاوه، این استاندارد راهنمایی صریح‌تری را به حساب‌برسان ارائه کرده بود که به آنها کمک می‌کرد در بخش‌های پرخطر بتوانند تقلّب را کشف کنند. در واکنش به نقاط ضعف فرایند کشف

انجام شده، در راستای کشف عبارتی نام آشنا به اسم «ریسک تقلّب» است. تقلّب، همان‌طور که در گزارش‌های استانداردهای حسابداری تعریف شده است، عملی عمدی است که منجر به تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی حسابرسی می‌شود (AICPA، ۲۰۰۳). ریسک تقلّب، مسئله‌ای حائز اهمیت است که همیشه مورد توجه حساب‌برسان قرار داشته است. حرفه حسابرسی همواره در تلاش بوده است تا با توانمندسازی حساب‌برسان در زمینه ارزیابی ریسک تقلّب، کیفیت حسابرسی و اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش دهد (زریده و همکاران، ۲۰۱۵)

ارزیابی احتمال ریسک تقلب دارد؟ کنترل داخلی فرایندی است که تحت تأثیر ساختار سازمان، جریان کار و اختیارات، افراد و سیستم‌های اطلاعات مدیریت است و در جهت کمک به سازمان در زمینه دستیابی به اهداف خاص طراحی شده است (AICPA, 2003). به عبارت دیگر، سیستم کنترل داخلی در هر سازمان، ستونی برای یک سیستم حسابداری کارآمد است (Olaoye, 2009). کنترل داخلی به حسابداران و مدیریت سازمان کمک می‌کند تا از روند صحیح و صحت صورت‌های مالی اطمینان حاصل کنند. طبق تعریف COSO، کنترل داخلی فرایندی است برای حصول اطمینان از دستیابی به اهداف سازمان در اثربخشی و کارایی عملیاتی، گزارشگری مالی قابل اعتماد و رعایت قوانین، مقررات و سیاست‌ها (COSO, 2012). اما این سیستم کنترلی که سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است، تا چه اندازه در ارزیابی احتمال ریسک تقلب کارآمد عمل می‌کند؟ آیا استفاده از این سیستم در فرایند ارزیابی ریسک تقلب کافی است و اگر بله، چرا هنوز هم شاهد بروز تقلب‌ها هستیم؟

سیستم کنترل داخلی یکی از مورد توجه‌ترین روش‌ها برای جلوگیری از تقلب در سازمان‌ها است که همیشه در راستای دید حسابداران و مدیران سازمان قرار داشته است. یک سیستم کنترل داخلی می‌تواند از طریق نظارت و افزایش فرایندهای گزارشگری سازمانی و مالی و با حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات مربوطه، به‌طور بالقوه مانع از اشتباهات و تقلب شود (کی. رائه و ان. سابرامانیا، 2008). البته سازمان و مدیریت نیز باید

بر اهمیت این سیستم کنترلی واقف باشند و آن را فرایندی جدی بپندارند. هنگامی که مدیریت بر اهمیت کنترل داخلی واقف است و آن را در سطح بالایی در سازمان نگه می‌دارد، ریسک تقلب می‌تواند کاهش یابد (ام. اسمیت، 2005). در ادامه، سازمان باید ریسک تقلب را به شیوه‌ای قوی بررسی کند تا ساختار کنترل داخلی بتواند مؤثر واقع شود (پی. فرانسیس، 2013). حسابداران و مدیران سازمان باید کنترل داخلی را بررسی کنند و ضعف‌های موجود در آن را برطرف کنند. اگر کنترل داخلی برای مدت زمان طولانی مورد بررسی قرار نگیرد، تقلب‌کننده می‌تواند نقاط ضعف در کنترل داخلی را شناسایی و از آن استفاده کند (اس. دلاپورتاس، 2012). با وجود تمامی مسائل مطروحه، می‌توان گفت که کنترل داخلی ضعیف با میزان ریسک تقلب، ارتباط بسیار زیادی ندارد اما ترکیب کنترل داخلی ضعیف با درک پایینی از عدالت سازمانی می‌تواند سبب افزایش ریسک تقلب شود (کی. رائه و ام. سابرامانیا، 2008). اگر بخواهیم نگاهی جامع‌تر به کنترل داخلی داشته باشیم باید بگوییم که کنترل داخلی می‌تواند سبب شود تا فرصت برای متقلب ایجاد نشود و در نتیجه تقلبی نیز رخ ندهد اما اگر فرصتی برای متقلب به هر طریقی ایجاد شده باشد، کنترل داخلی می‌تواند سبب کشف تقلب شود اما این دیدگاه تا چه اندازه می‌تواند مشکل ریسک تقلب را ریشه‌یابی کند؟ کنترل داخلی بیشترین تأثیری که بر سازمان دارد، جلوگیری از ایجاد فرصت برای متقلب است اما انگیزه‌ها و مواردی که در متقلب سبب انجام تقلب

می‌شود را از چه طریقی باید بررسی کنیم؟ آیا کنترل داخلی می‌تواند به‌تنهایی از وقوع تقلب جلوگیری کند؟ تا چه اندازه می‌توان به این سیستم کنترلی متکی بود؟

برای پاسخ به این سؤالات، در ابتدا باید اذعان داشت که شرایط اقتصادی و مالی روزبه‌روز در حال تغییر و گسترده شدن است و این تغییراتی که به‌طور مستمر در حال وقوع است، نیازمند آن است که در روش‌های ارزیابی خطرهای تغییراتی صورت پذیرد و روش‌های کنترلی نیز هم قدم با تغییرات گسترده، به‌روز شوند و مکانیسم بهتری را به خود بگیرند. بنابراین هیچ‌گاه نمی‌توان گفت که کنترل داخلی، به‌تنهایی برای ارزیابی ریسک تقلب کافی است و نیاز به مکانیسم‌های ترکیبی نداریم (!) اما نگرش دیگری که می‌توان با آن به ارزیابی ریسک تقلب پرداخت چیست؟ چگونه باید این خطر بزرگ را که به‌طور روزافزون به پیچیدگی آن افزوده می‌شود ریشه‌شناسی، شناسایی و از آن جلوگیری کرد؟ پرسش دیگری که می‌تواند بسیار جای بحث داشته باشد و به جلوگیری از این خطر کمک کند، این است که «چرا افراد مرتکب تقلب می‌شوند؟»

### مثلث تقلب، سه‌گانه‌ای در ریسک تقلب

این پرسش که «چرا افراد مرتکب تقلب می‌شوند؟» اولین بار توسط دونالد کرسی<sup>۲</sup> مورد پژوهش قرار گرفت. کرسی با ۲۵۰ مجرم در مدت ۵ ماه مصاحبه کرد و در نتیجه تحقیقات خویش بیان کرد که سه عامل موجب می‌شود تا افراد، مرتکب تقلب شوند: مشکل مالی غیرقابل



اشتراک، فرصت ارتکاب به نقض امانت و منطق تراشی‌های متخلف برای نقض کردن اعتمادی که به وی شده است. این سه عامل به ترتیب با نام‌های فشار (یا انگیزه تقلب)<sup>۳</sup>، فرصت<sup>۴</sup> و منطق تراشی<sup>۵</sup> شناخته می‌شوند.

بعد از کرسی، پژوهشگران بسیاری به بررسی مثلث تقلب پرداختند و آن را از دیدگاه‌های متعددی مورد پژوهش قرار دادند. به‌عنوان مثال لیستر، فشار را به پایه حرارتی برای آتش، فرصت را به سوختی برای آتش و منطق تراشی را به اکسیژنی برای آتش تشبیه می‌کند (Lister, ۲۰۰۷). وب فشار را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: فشار شخصی برای پرداخت هزینه‌های سبک زندگی، فشار شغلی ناشی از ساختارهای جبران خسارت مستمر یا منافع مالی مدیریت و فشار خارجی مانند تهدیداتی در جهت ثبات مالی کسب و کار، قرارداد سرمایه‌گذاران و انتظارات بازار.

لیستر فرصت را همچون سوختی برای آتش می‌دانست و معتقد بود اگر فرد متقلب انگیزه‌ای برای تقلب داشته باشد هم تا زمانی که فرصت نیابد، نمی‌تواند دست به تقلب بزند. در ارتباط با منطق تراشی، کرسی معتقد بود که اکثر متقلبین، مجرمینی هستند که سابقه کیفری نداشته‌اند؛ آنها خود را افرادی معمولی و صادق می‌بینند که در شرایط بدی گرفتار شده‌اند و این امر آنها را قادر می‌سازد تا جنایت را به‌گونه‌ای برای خود توجیه کنند (قاسم آر، ۲۰۱۲). اگر افراد تصور کنند که سازمان با آنها ناعادلانه برخورد می‌کند، می‌توانند به تهدید بزرگی برای سازمان تبدیل شوند. اگر کارکنان این‌گونه بپندارند که

که مثلث تقلب به تنهایی نمی‌تواند کارآمد واقع شود زیرا دو عامل فشار و منطق تراشی، قابل مشاهده نیست و سایر عوامل مهم مانند توانایی‌های متقلب‌ها نیز نادیده گرفته می‌شوند (قاسم آر، ۲۰۱۲). به هر حال مثلث تقلب، اکنون به‌طرز گسترده‌تری مورد استفاده مدیران و حسابداران قرار دارد اما این پرسش به‌وجود می‌آید که کدام‌یک از این موارد (کنترل داخلی و مثلث تقلب) بیشتر مورد توجه حسابداران است؟ زمانی که یک حسابدار به ارزیابی احتمال ریسک تقلب می‌پردازد، بیشتر از منظر کنترل داخلی به تقلب نگاه می‌کند یا با مثلث تقلب آن را مورد بررسی قرار می‌دهد؟

### حسابداران و ارزیابی احتمال ریسک تقلب

در یک نظرسنجی انجام‌شده توسط انجمن بازرسان تقلب گواهی‌شده (۲۰۱۲)، اشاره‌ای نشده است که حسابداران، احتمال ریسک تقلب را از منظر مثلث تقلب ارزیابی می‌کنند یا از دیدگاه چهارچوب کنترل داخلی اما با توجه به ماهیت و

سازمان با آنها ناعادلانه برخورد می‌کند، این ادراک ضعیف می‌تواند سبب بروز اقدامات تلافی‌جویانه از طریق تقلب شود (زریده محد سنوسی و همکاران، ۲۰۱۵) در ادامه اگر کارمند، این مسئله را برای خود توجیه کند و انجام این کار را موجه بپندارد، به سوی تقلب گام برمی‌دارد (کی. رائه و ام. ساپرامانیام، ۲۰۰۸).

نظریه مثلث تقلب که کرسی برای اولین بار آن را مطرح کرد، مورد بررسی و آزمایش پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است. برای مثال، اسکوسن و رایت، مدلی را متشکل از عوامل خطر محدود به فشارها و فرصت‌ها برای تخمین سطح وقوع تقلب کرده‌اند که یافته‌ها حاکی از رابطه مثبت بین فشار و سطح بالای وقوع تقلب بود و همچنین پیشنهاد می‌کند که فرصت‌های بالا در بین افراد باعث افزایش میزان وقوع تقلب در شرکت‌ها می‌شود (اسکوسن و رایت، ۲۰۰۶). با این حال، این نظریه نیز مخالفانی دارد که مثلث تقلب را روشی کاملاً منطقی برای ارزیابی احتمال ریسک تقلب نمی‌دانند. برای مثال، آنها این‌گونه اظهار می‌کنند

در تعامل هستند اما حسابرسان هنوز هم عنصر مثلث تقلب (فشار و فرصت) را در هنگام ارزیابی احتمال ریسک تقلب به‌عنوان یک نگاه دوم پس از چهارچوب کنترل داخلی در نظر می‌گیرند (زریده و همکاران، ۲۰۱۵). کنترل داخلی بیشتر بر روش‌ها و خود سیستم متمرکز است و این در حالی است که مثلث تقلب پیشنهاد می‌کند به‌جای آن که تنها بر سازمان تمرکز کنیم، باید تمرکز خود را با افرادی که توانایی انجام تقلب را دارند همسو سازیم (آر. ای. لاسال، ۲۰۰۷) بنابراین تمرکز بالای حسابداران بر کنترل داخلی می‌تواند تا حدّ بسیاری طبیعی قلمداد شود زیرا آنها تمایل دارند بیشتر به سیستم و فرایندهای آن بپردازند تا افرادی که مرتکب تقلب می‌شوند.

کنترل داخلی و مثلث تقلب، تنها مواردی نیستند که یک حسابدار باید در ارزیابی احتمال ریسک تقلب مدنظر قرار دهد. هر اندازه که کنترل‌های داخلی قوی‌تر شوند و دیدگاه‌ها نسبت به مثلث تقلب عمیق‌تر شود، باز هم ریسک تقلب مسئله‌ای بسیار پیچیده است و همان‌گونه که سیستم‌های مالی و اقتصادی در حال گسترش و پیچیده‌تر شدن هستند،



پرسش‌نامه<sup>۶</sup> انجام شد. دو گروه که مورد آزمایش قرار گرفته‌اند، حسابداران و دانشجویان حسابداری بوده‌اند. چندین هدف دنبال شد اما هدف اصلی، بررسی این مسئله بود که حسابداران در ارزیابی ریسک تقلب، بیشتر از منظر کنترل داخلی به مسئله نگاه می‌کنند یا مثلث تقلب. پرسش‌نامه به ۴ سناریو تقسیم شد: (۱) سناریویی با کنترل داخلی بالا و مثلث تقلب بالا (۲) سناریویی با کنترل داخلی بالا و مثلث تقلب پایین (۳) سناریویی با کنترل داخلی پایین و مثلث تقلب بالا (۴) سناریویی با کنترل داخلی پایین و مثلث تقلب پایین. در هر یک از این سناریوها، حسابداران و دانشجویان باید بررسی می‌کردند که احتمال ریسک تقلب چقدر است. یافته‌ها حاکی از آن بود که اگرچه کنترل داخلی و مثلث تقلب با یکدیگر

آموزش‌های داده شده به حسابرسان، آنها همچنان مشکلات تقلب را از منظر چهارچوب کنترل داخلی مشاهده می‌کنند (آر. ای. لاسال، ۲۰۰۷). اگرچه حسابداران از مکانیسم‌های متعددی در بررسی ریسک تقلب استفاده می‌کنند اما دیدگاه کلی آنها هنوز هم از منظر کنترل داخلی سازمان است. آنها ترجیح می‌دهند که کنترل‌ها را قوی‌تر کنند تا آن که به بررسی افرادی بپردازند که مرتکب تقلب می‌شوند.

در یک تحقیق انجام شده توسط زریده و همکاران (۲۰۱۵)، این یافته حاصل شد که کنترل داخلی برای حسابداران در ارزیابی احتمال ریسک تقلب، در اولویت قرار دارد و اگرچه آنها مثلث تقلب را نیز مورد بررسی قرار دادند اما از دیدگاه کنترل داخلی، بیشتر متوجه موضوع شدند. این پژوهش با استفاده از روش





کنترل داخلی ضعیف عمل کند، فرصتی که در مثلث تقلب به آن اشاره داشتیم برای متقلب ایجاد می‌شود. در آن سوی دیگر نیز اگر به فشارها و انگیزه‌های افراد توجهی نداشته باشیم، نیازمند کنترل داخلی بسیار قدرتمندی خواهیم بود که بتواند در مقابل هر انگیزه‌ای بایستد و به افراد، فرصت تقلب را ندهد که این کاری بسیار دشوار و سخت خواهد بود. به‌علاوه شاید بهتر باشد که مدیریت سازمان و حسابداران، مسئله بسیار مهم ریسک تقلب را عمیق‌تر نگاه کنند و توجه خود را به‌جای آن که صرفاً معطوف سیستم‌های نظارتی سازند، در یک نگاه عادلانه بین کنترل داخلی و مثلث تقلب تقسیم کنند. در نهایت، شاید اگر بخواهیم سه‌گانه‌ای عادلانه برای ارزیابی احتمال ریسک تقلب متصور شویم، کنترل داخلی، مثلث تقلب و تجربه حسابداران، سه قسمت از سه‌گانه ما را تشکیل دهند. ■

#### پی‌نوشت‌ها:

- 1- Association of Certified Fraud Examiners
- 2- Donald Cressey
- 3- Incentive, Motivation, Pressure
- 4- Opportunity

قسمت‌های مختلفی از ارزیابی احتمال ریسک تقلب تمرکز دارند. کنترل داخلی عمدتاً بر سیستم داخلی متمرکز است و توجه بسیاری به افراد و انگیزه‌های آنها ندارد اما وجود آن در هر سازمان، ضروری و غیر قابل انکار است. مثلث تقلب نیز بخش بسیار مهمی در فرایند ارزیابی احتمال ریسک تقلب است و به یکی از مهم‌ترین عامل‌های بروز تقلب، یعنی افراد می‌پردازد. تا زمانی که نتوانیم فشارها و انگیزه‌های افراد را درک کنیم، فرصت‌های به وجود آمده برای آنها را شناسایی کنیم و نسبت به منطق‌تراشی آنها آشنا باشیم، فرایند ارزیابی برای ما بسیار دشوار خواهد بود. اگرچه عناصر فشار و منطق‌تراشی به علت ماهیت ذهنی که دارند به‌سختی قابل شناسایی هستند اما بررسی آنها غیرممکن نیست و می‌توان تا حدی به انگیزه‌ها و منطق‌تراشی‌های افراد نزدیک شد. اگرچه پژوهشگران و حسابداران دارای دیدگاه‌های متفاوتی در ارتباط با کنترل داخلی و مثلث تقلب هستند اما باید بر این مسئله اذعان داشت که هر دوی اینها (کنترل داخلی و مثلث تقلب) در کنار هم می‌توانند از بروز ریسک تقلب جلوگیری کنند یا آن را کشف کنند. اگر

راه‌های بروز تقلب نیز پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شود. حسابرسی که در سال‌های کاری خود با موارد متعددی از تقلب مواجه شده است، بسیار بهتر می‌تواند شرایط موجود را تحلیل کند و بروز ریسک تقلب را پیش‌بینی یا کشف کند. تجربه، عاملی بسیار مهم است که هیچ‌گاه از سیستم حسابداری جدا نبوده است. یک حسابرس در هنگام ارزیابی احتمال ریسک تقلب (در مواردی که در طول حسابرسی با آنها مواجه شده است)، باید از قضاوت حرفه‌ای و تجربه خود نیز بهره برد (زریده و همکاران، ۲۰۱۵). تجربه، بی‌شک یکی از مواردی است که به‌ویژه در ارزیابی احتمال ریسک تقلب به کمک حسابداران می‌آید و به آنها کمک می‌کند تا عوامل مؤثر، انگیزه‌های افراد و حتی فرصت‌های بروز تقلب را بهتر مورد بررسی قرار دهند. موارد تقلبی که یک حسابرس در طول تجربه حرفه‌ای خود با آن مواجه می‌شود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین گنجینه‌هایی باشد که در دسترس حسابداران کارآزموده و باتجربه است.

#### کلام آخر

کنترل داخلی و مثلث تقلب در مقابل یکدیگر قرار ندارند بلکه تنها بر

pp. 56-58, 2013.

Ramos, M. (2003). Auditors Responsibility for Fraud Detection. *Journal of Accountancy*, 195(1), 28-36.

S. Dellaportas, "Conversations with inmate accountants: Motivation, opportunity and the fraud triangle," *Accounting Forum*, Oct. 2012.

Skousen, C. & Wright, C. (2006). Contemporary risk factors and the prediction of financial statement fraud. Working Paper. University of Texas at Arlington and Oklahoma State University.

Wilks, T. J. & Zimbelman, M. F. (2004). Decomposition of Fraud-Risk Assessments and Auditors' Sensitivity to Fraud Cues. *Contemporary Accounting Research*, 21(3), 719-745.

Zuraidah Mohd-Sanusi, Norhayati Mohamed, Normah Omar, and Mohd-Daniel Mohd-Nassir, (2015), Effects of Internal Controls, Fraud Motives and Experience in Assessing Likelihood of Fraud Risk, *Journal of Economics, Business and Management*, Vol. 3, No. 2, February 2015

ادریس کریمی: کارشناس ارشد حسابرسی - حسابدار مالی خبره  
 محجوبه حاج علی زاده: دانشجوی دکتری حسابداری - حسابرس ارشد مالیاتی  
 حیدر کریمی: دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

in Economics and Management Sciences, 3 (3), pp. 191 – 195, [https://repository.lboro.ac.uk/articles/journal\\_contribution/The\\_new\\_fraud\\_triangle\\_model/9502352](https://repository.lboro.ac.uk/articles/journal_contribution/The_new_fraud_triangle_model/9502352)

K. Rae and N. Subramaniam, "Quality of internal control procedures: Antecedents and moderating effect on organisational justice and employee fraud," *Managerial Auditing Journal*, vol. 23, no. 2, pp. 104-124, 2008.

Lister, L. M. (2007). "A practical approach to fraud risk", *Internal Auditor*, December, pp.1-30.

M. Smith, N. Omar, S. I. Z. S. Idris, and I. Baharuddin, "Auditors' perception of fraud risk indicators: Malaysian evidence," *Managerial Auditing Journal*, vol. 20, no. 1, pp. 73-85, 2005.

Oguda Ndege Joseph, Odhiambo Albert, Prof John Byaruhanga, 2015, Effect of Internal Control on Fraud Detection and Prevention in District Treasuries of Kakamega County, *International Journal of Business and Management Invention*, ISSN (Online): 2319 – 8028, ISSN (Print): 2319 – 801X

OLAOYE, A. (2009). An Assessment of Fraud and its Management in Nigeria Commercial Banks. *European Journal of Social Sciences*. 10, (4), 628-640. *Journal of Accounting and Finance* vol. 13(5) 2013 151

P. Francis, "How to Prevent Fraud," *Accountants Today*, no. August,

5- Rationalization  
 6- Questionnaire

منابع :

American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (2002). Consideration of fraud in a financial statement audit. Statement on Auditing Standards No. 99. New York, NY: AICPA.

American Institute of Certified Public Accountants (AICPA) (2003). Consideration of Fraud in Financial Statement Audit. Statement on Auditing Standards No.82, New York.

Association of Certified Fraud Examiners (2007). New York, UAS

Association of Certified Fraud Examiner, "Report to the nations on occupational fraud and abuse," 2012 Global Fraud Survey.

Benjamin, J. (2001). Internal Control and Fraud Prevention: The Account's Perspective, *Accountancy News Publication*, Training Arm of ANAN Jos, 5,(1).

COSO (2012). Principles-Based, and More Guidance, American Institute of Certified Public Accountants, Inc. New York, NY10036-8775.

ISA 240, "The auditor's responsibilities relating to fraud in an audit of financial statements," *International Federation of Accountants (IFAC)*, pp. 1-39, February 2008.

KASSEM, R. and HIGSON, A.W., 2012. The new fraud triangle model. *Journal of Emerging Trends*